



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۶ مهر ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- حکم نظر به تصویر زن- مقام سوم: نظر به تصویر زن- ادله عدم جواز- دلیل اول: آیه غض-

مصادف با: ۹ صفر ۱۴۴۲

بررسی دلالت آیه غض طبق مبنای محقق خوبی و مبنای دیگر- دلیل دوم

جلسه: ۱۱

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بیان دلیل اول از ادله قائلین به عدم جواز نظر به تصویر مرأة عرض کردیم پیرامون آیه غض، اقوال و انظار گوناگونی وارد شده است؛ اشاره‌ای به احتمالات و اقوال مختلف کردیم. عرض شد این اقوال و انظار در دو دسته جای می‌گیرند؛ طبق یک دسته از اقوال، این آیه اساساً دلالتی بر حرمت نظر به اجنبیه ندارد فضلاً از اینکه بخواهد دلالت بر حرمت نظر به تصویر کند. وقتی گفتیم اساساً آیه از این موضوع - یعنی عن النظر الی الاجنبیه - بیگانه است، دیگر جایی برای این نمی‌ماند که ببینیم آیا دلالت بر حرمت نظر به تصویر دارد یا نه.

بررسی دلالت آیه غض طبق مبنای محقق خوبی

تنها در میان این دسته از اقوال، یک مطلبی را مرحوم آقای خوبی دارند که آن مطلب ممکن است مورد استناد قرار بگیرد. در جلسه گذشته عبارت مرحوم آقای خوبی خوانده شد که ایشان معتقد است آیه به طور کلی از نظر به اجنبیه و بالعکس بیگانه است؛ بلکه می‌خواهد بگوید باید از هر نوع استمتاع جنسی نسبت به جنس مخالف صرف نظر شود. یعنی آیه حرمتِ جمیع انواع استمتاع من المرأة را ثابت می‌کند. ایشان می‌گویند طبیعتاً نظر هم اگر با لذت باشد، یک نوعی استمتاع است. اما کسی که در معامله، در خرید و فروش و در امور دیگر ارتباط دارد و اصلاً مسأله استمتاع مطرح نیست، این اشکالی ندارد. توجه داشته باشید که مسأله نظر از مدلول این آیه کنار می‌رود. اگر ما در عین اینکه گفتیم آیه دلالت بر حرمت نظر به اجنبیه ندارد، اما یدل علی صرف النظر عن جمیع انواع استمتاع از زن، هر نوع استمتاع از زن جایز نیست، آن‌گاه ببینیم می‌توانیم نگاه کردن به تصویر را در محدوده دلالت این آیه قرار دهیم یا نه.

طبق این بیان آیه می‌خواهد بگوید که به دنبال استمتاع نباشید، هم زنان و هم مردان؛ نه زنان به دنبال استمتاع باشند، یعنی روی گردان شوید و به کلی چشم‌پوشی کنید از انواع استمتاع من المرأة. اگر این مسأله باشد، طبیعتاً ممکن است یک نوع استمتاع همین نظر به تصویر باشد؛ یا مثلاً کسی بگوید نظر با لذت به مرأة اجنبیه هم یک نوع از استمتاع است.

اگر این را بگوییم، ممکن است بگوییم النظر الی تصویر المرأة آن هم با این جهت که بالاخره مصداق استمتاع باشد حرام است.

سؤال:

استاد: نهایت این است که این آیه تدل علی حرمة النظر الی تصویر المرأة مع تلذذ. می‌خواهیم بگوییم که آیه دیگر دلالت بر مدعا ندارد. یعنی اینجا دو بحث است؛ یک وقت می‌گوییم آیه اصلاً کاری به نظر به مرأه ندارد و به مسأله نظر به عورت مربوط است. طبق این احتمال می‌خواهم عرض کنم که ممکن است کسی از استدلال ایشان چنین نتیجه‌ای بگیرد که با اینکه این آیه اجنبی عما نحن فیه، اما بالاخره مسأله استمتاع را مطرح کرده و النظر الی تصویر المرأة می‌تواند یک نوع استمتاع باشد، لذا مشمول آیه می‌شود. این را عرض کردیم که اگر اینطور باشد، می‌تواند به نوعی این مطلب را برساند، ولی مسأله النظر الی تصویر المرأة مطلقاً مطرح است، نه اینکه مسأله تلذذ مطرح باشد. می‌خواهیم ببینیم نظر به مرأه ولو من دون تلذذ جایز است یا نه. پس طبق این مبنا هم آیه نمی‌تواند مسأله حرمت نظر به تصویر را ثابت کند.

بقیه آقایان هم که قائل به دلالت آیه بر حرمت نظر نشده‌اند، هیچ‌کدام چیزی نگفته‌اند که بتوانیم از آن در مسأله تصویر استفاده کنیم.

بررسی دلالت آیه غض بر مبنای دیگر

سراغ دسته دوم می‌آییم؛ یعنی آنهایی که معتقدند این آیه دلالت بر حرمت نظر به اجنبیه می‌کند. سه نظر بر این مدار وجود دارد:

۱. یکی نظر محقق اردبیلی بود. از باب اینکه متعلق غض ذکر نشده و حذف متعلق دلالت بر عموم می‌کند، پس نظر به اجنبیه حرام است.

۲. یکی هم کسانی که معتقدند آیه دلالت بر حرمت نظر به مرأه مطلقاً و حرمت نظر به عورت المماثل دارد، مثل مرحوم آقای داماد.

۳. یکی هم آنچه که بعضاً به مشهور نسبت داده شده یا به جمع کثیری که آیه دلالت بر حرمت نظر به مرأه مطلقاً دارد ولی از این طریق که امر به غض البصر می‌کند و غض البصر مقدمه ترک النظر است و از آن نتیجه می‌گیرند حرمة النظر را.

طبق این دیدگاه که شامل این سه طیف می‌شود، آیا می‌توانیم از آیه استفاده کنیم حرمت نظر به تصویر المرأة را؟ واقع این است که طبق هیچ یک از این سه تقریب آیه دلالت بر حرمت نظر به تصویر ندارد. آنچه در بیان این اعلام آمده، النظر الی المرأة نفسها است. عقیده ما این بود که این آیه اصلاً دلالتی بر مدعای آقایان ندارد. سلماً که این آیه دلالت بر حرمت نظر به مرأه داشته باشد، چه از راهی که محقق اردبیلی گفته‌اند، چه از راهی که مرحوم آقای داماد فرموده‌اند، چه از راه‌های دیگر، در هر صورت اگر ما حتی دلالت این آیه را بر حرمت نظر به خود زن بپذیریم، دلالت بر حرمت نظر به تصویر و عکس ندارد.

سؤال:

استاد: این مسأله را در مقام اول و دوم بحث کردیم. یک وقت ما می‌گوییم عرفاً اینها یکی است، که این بحث دیگری است. اینجا مفروض ما این است که تصویر، خود او نیست. برای این که این سؤالات پیش نیاید، من گفتم ادله بعضاً این ظرفیت را ممکن است داشته باشند که علاوه بر اینکه نظر به خود زن ثابت می‌کنند، در مورد تصویر هم ثابت کنند. بعضی از ادله این ظرفیت را ندارند و فرض ما این است که عرفاً بین تصویر و بین خود او فرق است. ما یک وقت شخصی می‌گوید عرفاً نظر

به تصویر همان نظر به خودش است، ما این را در مقام دوم مطرح کردیم. ... ما اولاً می‌گوییم مثل محقق اردبیلی، مرحوم آقای داماد و آن چیزی که به مشهور نسبت داده شده، اینها دلالت آیه را بر حرمت نظر به خود زن پذیرفته‌اند. ما این را قبول نداریم و می‌گوییم این دلالت بر حرمت نظر به خود زن نمی‌کند. مسأله دیگر اینکه فرض ما این است که تصویر المرأة غیر از خود مرأه است. این عرفی است و لازم نیست بر آن دلیل اقامه کنیم. تصویر المرأة غیر از خود مرأه است؛ می‌گویند این تصویر زن است. فرضاً اگر کسی به تلویزیون نگاه کند یا یک عکسی را در مقابلش بگذارد و نگاه کند، نمی‌گویند دارد به خود او نگاه میکند. واقعاً عرف بین تصویر و بین خود مرأه فرق می‌گذارد و این غیر از مسأله شیشه و آینه است؛ حتی گفتیم ممکن است کسی بگوید که آینه هم تصویر حساب می‌شود.

پس ما بر این اساس که اولاً لو سلم دلالة الآية على حرمة النظر الى الاجنبية، ثانياً ولو سلم الفرق بين تصوير المرأة و نفسها، آیه هیچ دلالتی ندارد. شما می‌فرمایید کسی معتقد است که از نظر عرف بین تصویر و بین مرأه فرقی نیست. بله، اگر کسی این حرف را بزند که عرفاً بین تصویر و بین خود زن فرقی نیست، آیه با فرض آن مطلب اول - چون ما آن مطلب اول را هم قبول نداریم واقع این است که اگر کسی چنین فکری کند، باید بگوید که خیلی عرفیات او ضعیف است. واقعاً عرف بین این دو فرق نمی‌گذارد؟ واقعاً بین تصویر و عکس و خود شخص عرف فرق نمی‌گذارد؟ ... شما الان اگر به من بگویید که من شب گذشته فلانی را دیدم، چه چیزی از این استفاده می‌کنم؟ اینکه خودش را دیده‌ای؟ اگر این باشد این مجاز و کنایه می‌شود. - میتواند دلالت داشته باشد.

پس به نظر ما آیه غض دلالت بر حرمة النظر الى تصوير المرأة ندارد.

دلیل دوم

اما دلیل دوم؛ آیه «ولایبدین زینتهن الا ما ظهر منها». این در همان ادامه آیه ۳۰ سوره نور است و نهی می‌کند از ابداء زینت مگر آن مقداری که ظاهر و آشکار است. در اینکه این استثنا چیست، ما این را تقریباً مثل آنچه که در باب آیه غض گفتیم، مفصلاً درباره‌اش بحث کردیم. یکی از ادله‌ای که بر حرمت نظر به خود زن اقامه شده، همین آیه است.

سه تقریب برای استدلال به این آیه برای حرمت نظر به زن بیان شده است. تفاوت این سه تقریب هم مبتنی بر این است که منظور از زینت در آیه چیست؛ برخی گفته‌اند منظور از زینت مواضع الزینة است. یعنی یک تعبیر کنایی که اشاره به مواضع زینت دارد. بعضی گفته‌اند منظور از این زینت اساساً زینت مصنوع بشری نیست، زینت خلقی است؛ زینت خلقی یعنی خود زن زینت است و خلقت او زینت محسوب می‌شود. برخی دیگر هم گفته‌اند منظور از زینت خود زینت است؛ یعنی همین چیزی که از نظر عرف ما تزئین به المرأة. لذا هر یک از این سه معنا، منظور مواضع الزینة باشد، منظور زینت خلقی باشد، منظور زینت مصنوع بشری باشد، یا حتی ممکن است هر دوی اینها باشد، بر این اساس استدلال‌ها متفاوت می‌شود.

اگر گفتیم منظور از زینت مواضع الزینة است، آن‌گاه بر طبق این آیه، «ولایبدین زینتهن» بدین معناست که نباید زنان مواضع زینت خودشان را آشکار کنند. مواضع زینت، پا، دست، گردن و چیزهایی که به شکم و کمر می‌بندند، به پا می‌بندند، اگر نهی شده از ابداء و آشکار کردن مواضع زینت، در واقع می‌خواهد بگوید حرام است کشف این مواضع. این در واقع به عنوان اینکه نظر جایز نیست بیان شده است والا خود ستر زینت یا موضع زینت، موضوعیت ندارد. کأن این مقدمیت دارد برای عدم النظر.

پس اگر گفته شده مواضع زینت را بیوشانید، در واقع این مقدمه است برای اینکه نظر به این مواضع حرام است. «الا ما ظهر منها» مگر آن مقداری که ظاهر است. آن وقت گفته‌اند این مظهر منها کجاست.

تقریب دوم اینکه منظور از زینت، زینت خلقی است. طبق این نگاه، بدن زن تماماً زینت محسوب می‌شود و لذا یجب ستره و حرم کشفه. لازمه حرمت کشف یا وجوب ستر، حرمة النظر است. به این بیان خواسته‌اند حرمت نظر به مرأه را ثابت کنند. طبق تقریب سوم، آیه بالدلالة الالتزامية بر حرمت نظر دلالت می‌کند. مدلول مطابقی آیه «لا یبیدین زینتهن الا مظهر منها» این است که می‌گوید این زینت‌هایتان - مثل النگو و گردنبند و خلخال و امثال آن - آشکار نکنید، مگر آن مقداری که ظاهر است - مثل انگشتر در انگشت - لکن نهی از ابداء این زینت‌های بشری ملازمه دارد با حرمت ابداء اعضایی که این زینت بر آنها قرار دارد. این فرق می‌کند با احتمال اول؛ در احتمال اول از راه کنایه و استعمال مجازی وارد شده است؛ «لا یبیدین زینتهن» را می‌گوید ای لایبیدین مواضع زینتهن. در تقریب سوم می‌گوید لایبیدین زینتهن؛ حقیقتاً دارد می‌گوید خود این زینت‌ها را آشکار نکنید ولی ملازمه دارد با آن مواضع.

سؤال:

استاد: فرض زینت برای این است که نوعاً زنان این زینت را استفاده می‌کنند. زینت یا گردنبند است، یا النگو یا خلخال. مرسوم و متعارف همین بوده و حالا هم همین‌طور است. وقتی می‌گوید این زینت‌ها را آشکار نکنید، گفتیم بالدلالة الالتزامية دلالت دارد؛ یعنی در واقع می‌خواهد بگوید آن اعضایی که این زینت‌ها را بر آن قرار می‌دهید آشکار نکنید. پس نهی می‌کند از ابداء و آشکار کردن و کشف این اعضا. ... ابداء الزینة ملازم با ابداء آن عضو است. ... آیا ممکن است بگوید النگوهای روی مچ‌تان را آشکار نکنید، آنچه که به بازو می‌بندید آشکار نکنید ولی بازو آشکار باشد عیب ندارد؛ این چه حرفی است؟ اصلاً اینها قابل تفکیک‌اند؟ ... سال گذشته همه بحث‌ها را مطرح کردیم و من فقط الان یک گزارش مختصر می‌دهم که سه تقریب در استدلال به این آیه وجود دارد. مختار ما همان تقریب سوم بود؛ اینکه بدن زن زینت باشد و آیه می‌خواهد کلاً بدن آشکار نشود، این آیه این را نمی‌گوید. احتمال اول را هم رد کردیم. ما تقریب سوم را پذیرفتیم؛ قرائن و شواهدش را ذکر کردیم و اشکالاتی که متوجه این احتمال و این تقریب بود را گفتیم.

الان می‌خواهیم ببینیم با این تفاوتی که در این مسأله وجود دارد از حیث استظهار از آیه، آیا این آیه دلالت بر حرمت نظر به تصویر می‌کند یا نه؟ آیه «ولا یبیدین زینتهن» به هر یک از این سه تقریب، بالاخره دلالت بر حرمة النظر الی المرأه دارد؟ فرق نمی‌کند؛ ما عرض کردیم که هر سه این ادعا را دارند. آیه می‌خواهد بگوید غیر از آن مقداری که ظاهر است، نباید زن آشکار کند اعضای بدنش را. وجه خاصی اینجا برایش ذکر نشده که چرا نباید آشکار کند. در ادامه آیه جهاتی ذکر شده ولی ما فعلاً با این بخش کار داریم. فرض ما این است که دلالت آیه بر حرمة النظر الی المرأه ثابت است؛ چون گفتیم طبق هر سه تقریب، آیه دلالت می‌کند بر حرمة النظر الی المرأه و فرض ما این است که تصویر المرأه غیر از خود مرأه است. اصلاً فرض ما این است که تصویر المرأه غیر از خود مرأه است؛ عرفاً این چنین است و این امری است که در آن تردیدی نیست. حالا می‌خواهیم ببینیم واقعاً این نهی از ابداء زینت که ملازمه دارد با ابداء اعضای بدن، یا نهی از آشکار کردن مواضع زینت یا نهی از آشکار کردن بدن که طبق نظر بعضی همه بدن زن زینت محسوب می‌شود؛ آیا دلالت بر حرمت نظر به تصویر هم دارد یا ندارد.

واقع این است اینکه ما بخواهیم این حکم را از زن و اعضای بدن او سرایت دهیم به تصویر، این نیازمند دلیل دیگری است. این دلیل دلالت بر حرمت نظر به تصویر نمی‌کند.

«زینت» یعنی زینت خودشان؛ خود زینت که ملازمه دارد با آن اعضا. آیا این نهی از آشکار کردن و ابداء واقعاً نهی از آشکار کردن تصویر هم هست؟ این می‌گوید زینت؛ نمی‌گوید تصویر زینت. نفس المرأة نباید زینت خود را آشکار کند و کشف آن حرام است. اما تصویرش چطور؟ این آیه دلالت بر حرمت آن نمی‌کند. به عبارت دیگر، آیه نمی‌رساند آشکار شدن در تصویر هم حرام است. در حقیقت آن تصویر اعضا یا تصویر ابداء است. ببینید یک وقت کسی خودش آشکار می‌کند اعضا را و عکس می‌گیرد و در معرض دید دیگران می‌گذارد. یک وقت خودش این کار را نکرده؛ دیگران این کار را کرده‌اند و در معرض دید قرار می‌دهند. یک وقت کسی مثلاً خودش بدون حجاب و با لباس نامناسب عکس می‌گیرد و این را منتشر می‌کند. یک وقت هست که در یک محیطی قرار گرفته و عکسی از او گرفته می‌شود و این عکس در معرض دید دیگران قرار می‌گیرد. «لایبیدن زینت الا ما ظهر منها» آیا هر دو را می‌گیرد؟ می‌گوید ابداء زینت نکنید؛ زنان اعضای بدنشان را برای دیگران آشکار نکنند. آیا قسم اول یصدق علیه انها بداء زینتها، اظهر زینتها؟

سؤال:

استاد: من با قصد و غیر قصد کار ندارم. ... اینکه می‌گوید «لایبیدن زینت»، آیا آشکار کردن تصویر اعضا، مشمول این آیه هست؟ آیه نهی کرده از ابداء اعضا؛ ابداء تصویر یعنی آشکار کردن تصویر، یعنی ابداء الاعضاء فی التصویر. یک وقت ابداء الاعضاء در مرئی و منظر دیگران است، اینکه مسلم است که مشمول آیه است. اما اگر کسی عکسش را در معرض دید دیگران قرار دهد، آیا یصدق علیه انه ابداء زینتها؟ یک وقت یک عده آنجا حاضرند و در مقابل آنها این کار را می‌کند؛ یک وقت می‌گوید جلوی چشم میلیون‌ها بیننده این کار را در تلویزیون کرد. اینکه مستقیم باشد یا نباشد را به عنوان یک قول بعداً بررسی می‌کنیم. اصلاً شما می‌گویید در تلویزیون این کار را بکنند؛ آیا این صدق می‌کند ابداء زینت و مشمول نهی است؟ یک وقت می‌گوییم ابداء آن اعضا حالا یا بالمطابقة یا بالملازمة، منهی عنه واقع شده و یک وقت می‌گوییم ابداء و آشکار کردن تصویر است. متعلق ابداء چیست؟ بله، آشکار شدن هست. ابداء چه چیزی متعلق نهی واقع شده است؟ ابداء چه چیزی منهی عنه است؟ اتفاقاً اینجا سخن ما بر سر این است نهی به چه چیزی تعلق گرفته است؟ ... لایبیدن زینت نهی می‌کند از آشکار کردن زینت. آشکار کردن یعنی اینکه روسری را بردارد؛ از این کار نهی می‌کند. یعنی کسی بدون روسری در مرئی و منظر دیگران قرار بگیرد. حالا اگر عکس باشد، آنجا چه چیزی را می‌گوید آشکار نکنید؟ زینت‌هایتان را آشکار نکنید؛ اگر عکس باشد، آنجا لایبیدن زینت شامل این می‌شود؟ لایبیدن زینت در واقع می‌خواهد بگوید که زینت‌هایتان را آشکار نکنید؛ یعنی مثلاً موی سرتان را در معرض دید دیگران قرار ندهید. اما آیا این می‌گوید که عکس موی زنتان را در معرض دید دیگران قرار ندهید؟ این آیه دلالت دارد عکس بازویتان را در معرض دید دیگران قرار ندهید؟ آیه دارد می‌گوید این اعضا را در معرض دید دیگران قرار ندهید و آشکار نکنید. کجای این آیه می‌گوید عکسش را در معرض دید دیگران نگذارید؟ می‌گوید زینت را آشکار نکنید و نه تصویر زینت را. ... ما باید در مقام استدلال این ادله را

دقیق بررسی کنیم. آیه می گوید زینت را آشکار نکنید؛ کجای آیه می گوید تصویر زینت را آشکار نکنید؟ مسأله ابداء الزینة منهي عنه است و نه مسأله ابداء تصویر الزینة.

«والحمد لله رب العالمين»